



حواشی قطع بلند گوی
نماینده چابهار در مجلس
ادامه دارد

صفحه ۲



«فرهنگ عذر خواهی ژاپنی»
نیاز امروز
جامعه ماست

صفحه ۳

در بیانیه تحلیلی جبهه اصلاحات ایران پیرامون اعتراضات اخیر تاکید شد

اصلاحات اساسی با رفع ایرادات قانون اساسی

صفحه ۲

نگاهی به باز تاب نامه نمایندگان مجلس برای بر خورد با معترضان

اولویت مجلس حداقلی نه دارو است، نه اقتصاد!

صفحه ۲

وکلای خانواده مهسا امینی بیانیه دادند

صالح نیک‌بخت و علی رضایی وکلای خانواده مهسا (ژینا) امینی در مورد آخرین وضعیت پی‌گیری پرونده فوت «مهسا» بیانیه‌ای صادر کردند. به گزارش ایسنا، در این بیانیه، وکلای اولیای دم مهسا (ژینا) امینی با ادعای...

صفحه ۲

منع موتورسواری زنان

تناقضی حاصل از کج‌سلیقگی

✓موتورسواری زنان مثل دوچرخه‌سواری منع شرعی و قانونی ندارد

صفحه ۴

نائب رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی:

نرخ ارز در ایران با هر عطسه جابه‌جایی شود

صفحه ۱۰

سر مقاله



محمد آخوندپور امیری

چنانچه شکل گیری هویت‌های جدید که خود متأثر از رشد و نمو فضاهای گفتمانی آنتاگونستی نسبت به گفتمان حاکم هستند و بعضاً منجر به ظهور و بروز جریان‌های اعتراضی می‌شوند را در داخل عرصه گفتمانی محصور کنیم و یا به تعبیر بهتر معتقد باشیم که هیچ پدیده‌ای خارج از گفتمان شکل نخواهد گرفت، لاجرم به تبیین علل وقوع آن در یک صورتبندی خاص خواهیم پرداخت. گفتمان‌ها با تعریفی که از امر سیاسی ارائه می‌دهند از یکسو مرزهای هویتی خود را میان نیروهای «خودی» و «دیگری» شکل می‌دهند و از سوی دیگر به نزاع‌های سیاسی در یک جامعه معنا می‌بخشند. در این یادداشت به تبیین علل شکل‌گیری جنبش اعتراضی اخیر در بستر گفتمان «رنستو لاکلاو» و «شانتال موفه» خواهیم پرداخت.

لاکلاو و موفه معتقدند که شکل‌گیری هژمونیک یک گفتمان، خود متأثر از عرصه نزاع بی پایان میان عناصری است که در پی تثبیت موقعیت خود در داخل گفتمان هستند. این عناصر در یک عرصه آنتاگونستی به صورت موقت به ثبات قابل قبولی دست خواهند یافت. این ثبات در بطن خود ویژگی سیالیّت را محفوظ خواهد داشت؛ یعنی هیچ‌گاه نخواهد توانست موقعیت هژمونیک خود را ابدی سازد و همواره از طرف گفتمان‌های غیرت به چالش گرفته می‌شود. به همین منظور اگر «اسلام سیاسی» را از بدو پیدایش نظام جمهوری اسلامی، بعنوان گفتمان غالب در نظر بگیریم، شکل گیری «گفتمان‌های غیر» بعنوان عرصه تخصص با گفتمان حاکم همواره در فضای آنتاگونستی، امری طبیعی

تضادهای گفتمانی، عرصه جدالی بی‌پایان

است که پیوسته در حال وقوع بوده و هست. از سویی دیگر در هر عرصه گفتمانی، عناصری از بازی دال‌ها و مدلول‌ها به چشم می‌خورد که مشخصه‌های آن گفتمان را پیشاوری جامعه قرار می‌دهد. بر همین اساس شکل‌گیری جنبش اعتراضی اخیر با شعار «زن، زندگی، آزادی» با دال مرکزی «آزادی خواهی» هویت خود را در برابر گفتمان حاکم با دال مرکزی «اسلام سیاسی» به رخ می‌کشد. هر کدام از بخش‌های شعار این جنبش، همچون عناصر میان تهی هستند که به تنهایی فاقد معنای خاصی هستند و تنها در فضای گفتمانگی و در پیوند با دیگر عناصر از معنای مقوم و قابل اتکایی بهره می‌برند. شکل‌گیری عرصه تعارض میان عناصر گفتمان این جنبش که هویت تازه‌ای با معترضان داده در تقابل با دال مرکزی «اسلام سیاسی» گفتمان حاکم قرار گرفته است. طبیعی است که عناصر گفتمان معترضان تا هر میزان که بتواند از درجه مقبولیت و همزادپنداری با جمعیت کشوری بهره ببرد، قاعده این جدال را به نفع خود رقم خواهد زد. در آن سوی میدان با کم رنگ شدن عناصر گفتمان حاکم، وضعیت هژمونیک ساختارهای گفتمان هر روز کم رنگ و کم رنگ‌تر خواهد گردید؛ تا آن هنگام که جایگاه برتر خود را به گفتمان رقیب خواهد داد و عناصر تهی شده گفتمان حاکم، عرصه نزاع را ترک خواهد نمود.

نتیجه آنکه براساس برداشت گفتمانی از شکل گیری اعتراضات که هویت‌های بدیعی را در بطن خود بارور خواهد ساخت، هیچ‌گاه نمی‌توان به ثبات قطعی و ابدی هیچ گفتمانی دل بست. البته باید توجه داشت که نمونه‌های تاریخی در گستره سرزمینی کشور خودمان نوبدبخش نمونه‌های کثیری از تجربه تاریخی پیرامون این موضوع است. با هژمونیک شدن گفتمان پهلوی در ایران، این

یادداشت

در شصت و هشتمین سالگرد درگذشت دکتر فاطمی مرگ، دو گونه است...

و بعد از کودتای ۳۲ و بنابر ادله‌ای قوی بعد از این غارتگران نتوانند به نابودی منافع ملی که منادیان آن مبارزات ملی هستند و امید و آرزوی نهایی آنان رهایی مردمان صورت اما هشیاری و ناظر این مرز و بوم پر گهر، جامه عمل بپوشانند.

فاطمی یکی از شجاع‌ترین روزنامه‌نگاران نیست که تا واپسین لحظه زندگی، برای مردم قلم زد و در سرمقاله‌اش نوشت: «دکتر صدق پیشوای ایرانیان پاک اندیش و مزین به پندار نیک قرن تمام، در راه منافع مردم محروم این مملکت، مبارزه کرده». با روی مسیحا رفت؟! ما ماییم و آیندگان، با خفت و خوری می‌توان در گور خفت؟ در انجام وظیفه، فداکاری می‌کنیم و تا لبه پرتگاه می‌رویم و مردانه می‌کوشیم...»

و در سرمقاله دیگری با عنوان یسا مرگ یا زندگی نوشت: ایران برخیز! بیدار شو! این خواب طولانی، افتخار را از دستت تو گرفت. تو مایه فخر دنیا بودی... حیف که منقرض شوی» و گویا ندای وجدان او خفته‌های این مرز و بوم پیچیده شده در خرافات و فساد با هدایت نظامی منطخ و متحجر... را تلنگری هشداردهنده نواخت و چنان تحولی یابسته در پیش ... شادروان ادامه می‌دهد: هم میهنان! از دیدگاه تاریخ، ملتی دارای ارزش است که هویت و اعتبار خود را با تلاش و مبارزه فرزندانش از گزند رویدادها و مطامع بیگانگان آزند، نگاهبانی و مصون بدارد.

میهن ما به ویژه در سده معاصر، شخصیت‌های بزرگی را در دامان پر مهر خود پروراند تا پیشاپیش ملت در نبرد با دشمنان درونی و بیرونی، آثار فضا ناپذیری از خود، بجای بگذارد تا استقلال و تمامیت میهن‌مان بر جای بماند. همت والای این رادمردان سبب شد در سال‌های پر تلاطم دهه سی



ضیاءمصباح

به راستی می‌توان «فاطمی» را از شخصیت‌های نادر سیاسی یکصد ساله اخیر کشورمان دانست که به گواه تاریخ انگشت بر نقطه اصلی درد یعنی «استبداد و استعمار» نهاد. این فرزند وارسته وطن در بخشی از سرمقاله روزنامه باختر امروز به عنوان سردبیر می‌نویسد: «بالاخره باید برویم – می‌شود با روی مسیحا رفت؟! ما ماییم و آیندگان، با خفت و خوری می‌توان در گور خفت؟ در انجام وظیفه، فداکاری می‌کنیم و تا لبه پرتگاه می‌رویم و مردانه می‌کوشیم...»

و در سرمقاله دیگری با عنوان یسا مرگ یا زندگی نوشت: ایران برخیز! بیدار شو! این خواب طولانی، افتخار را از دستت تو گرفت. تو مایه فخر دنیا بودی... حیف که منقرض شوی» و گویا ندای وجدان او خفته‌های این مرز و بوم پیچیده شده در خرافات و فساد با هدایت نظامی منطخ و متحجر... را تلنگری هشداردهنده نواخت و چنان تحولی یابسته در پیش ... شادروان ادامه می‌دهد: هم میهنان! از دیدگاه تاریخ، ملتی دارای ارزش است که هویت و اعتبار خود را با تلاش و مبارزه فرزندانش از گزند رویدادها و مطامع بیگانگان آزند، نگاهبانی و مصون بدارد.

میهن ما به ویژه در سده معاصر، شخصیت‌های بزرگی را در دامان پر مهر خود پروراند تا پیشاپیش ملت در نبرد با دشمنان درونی و بیرونی، آثار فضا ناپذیری از خود، بجای بگذارد تا استقلال و تمامیت میهن‌مان بر جای بماند. همت والای این رادمردان سبب شد در سال‌های پر تلاطم دهه سی

خبر

سخنان عجیب سخنگوی دولت:

مقصر اعتراضات امروز، دولت روحانی است!

مثل آب خوردن، می‌توانستیم مجوز شلیک گلوله‌های جنگی به ماموران بدهیم

دولت سابق بین خودش و مردم دیوار کشید، گفت: دولت سابق بین خودش و مردم دیوار کشید و حرف آن‌ها را نشنید و با آنها امنیتی برخورد کرد و صدای آنها را خفه کرد. دولت قبل اجازه نداد صدای مردم شنیده شود و همین مسئله باعث شده تا حجم زیادی از اعتراض تجمیع شود و حالت انفجار به خودش بگیرد. پس مسائل قدیمی را نباید به پای دولت سیزدهم حساب کنیم چون این دولت از گول‌ها شلیک شد و «زنده باد مصدق» آخرین گول‌های این بانوی شجاع که: «مردم کشمش ... مزار سردار بزرگ نهضت ملی در جوار شهیدان سی تیر قرار دارد و مزار خواهر فداکارش نیز در کنارش، راهش پر رهرو باد.

۴۵ روزی که از وقایع اخیر می‌گذرد تمام تلاش خود را کرده که در تله دشمن نیفتد و دلیل اینکه هم گفته می‌شود با اغتشاشگران مناشات صورت می‌گیرد این است که در تله دشمن نیفتیم. بهادری چهرمی عنوان کرد: برای دولت مثل آب خوردن بود که از همان روزهای اول اجازه دهد تا نیروی انتظامی از گلوله‌های جنگی استفاده کند و هر کسی را به خیابان آمد بزنند و اینطور مردم بترسند و از خانه خارج نشوند؛ اما این دولت هرگز چنین کاری نمی‌کند؛ چون معترضین را بچه و خانواده خود می‌داند و اصلا کلی سرمایه‌گذاری روی این افراد صورت گرفته تا آنها مشکلات کشور را برطرف کنند. وی اظهار کرد: بخش زیادی از اعتراضات امروز نتیجه سیاست‌های غلط اقتصادی، حکمرانی و سیاسی دولت قبل بوده است. چهرمی با بیان اینکه

نشست پرسش و پاسخ علی بهادری، سخنگوی دولت با دانشجویان دانشگاه صداوسیما در محل فاطمی‌بزرگ تهران برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری فارس، بهادری چهرمی با بیان اینکه اغتشاشگر و معترض را باید از هم تفکیک کنیم، گفت: ما باسبخ دشمن خارجی را حتما می‌دهیم و شک نکنید اگر یکی بخوریم دو تا می‌زنیم؛ فقط شاید بعضی‌ها را نتوانیم بگوییم. وی افزود: سوال می‌شود که چرا با آشوبگران داخلی مناشات صورت می‌گیرد؟ باید بگویم من اصولا معترضین را دشمن نمی‌دانم و اصل بر این است که این جوانان که به خیابان می‌آیند فرزندان خطاکار ما هستند. چهرمی گفت: استراتژی دشمن این است که دولت را به جان بجه‌های خودش و این بچه‌ها را به جان دولت بیندازد. اتفاقا دولت طی

فرصت از دست رفته گفت‌وگو

بتوان آنها را در ردیف خواست‌های ابتدایی هر انسانی جای داد. آزادی نه شعاری توخالی و سطحی، بلکه آرمانی عمیق است که نیاز یک انسان آزاده و شریف را شامل می‌شود که می‌خواهد بدون ترس از سرکوب و حذف شدن، زندگی مطلوبی کسب کند اما با تاسف ما شاهد اجابت آن از سوی حاکمیت نیستیم. واقعیت این است که بی‌اعتمادی حاصل از کتمان رخدادهای اشتباه صورت پذیرفته توسط حکومت، پشتوانه حمایتی سیستم را به میزان زیادی کاهش داده است. بنابراین کاهش میزان اعتماد به سیستم، خود باعث تلقی عدم پذیرش حرف مخالف از سوی قدرت می‌شود و این نقطه، شروع اعتراضات خیابانی بجای اعتراضات گفتمانی می‌شود که خشونت، درگیری، شعارهای ضدحکومتی و پرخاش شاخصه‌های آن است.

ادامه در صفحه ۲

رفتاری را بوسیله ارعاب و تبلیغ انجام داد. جنبش‌های اجتماعی نوین نه تنها در ایران، بلکه در هر دولت‌ملتی و حتی فراتر از آن، همیشه وجود داشته و مسئله‌ای حذف شدنی نیست اما نوع برخورد با آن، بسته به نوع سیستم سیاسی حاکم متفاوت است. سیستمی که دموکراتیک باشد، معمولا درصد حل و رفع خواست معترضین خواهد بود. در جامعه‌ای که سیستم سیاسی آن ادعاهای قابل تاملی در تمام جنبه‌های سیاست‌گذاری و حکمرانی دارد و مدعیست که جامعه نیز سیستم سیاسی را می‌پسندد و حامی آن است، باید به گونه‌ای متفاوت در قبال انتقادها عمل کند.

معترضین این روزها، حرف‌هایی دارند که شاید پیش از این، از انحاء مختلفی درصدد بیان آن بوده‌اند اما گوش شنوایی پیدا نکرده‌اند. هر جامعه‌ای بنا بر باورهایش، آرمان‌های دارد که شاید مشترک با بسیاری از دیگر جوامع باشد و

یادداشت



محمدشهبازی

التهاب و اعتراضات این روزهای ایران، نشان از جسم تیماری دارد که ما آن‌را نادیده گرفتیم، پدایش را نشنیدیم و توجهی هم نکردیم و حالا شد آنچه که می‌توانست نباشد و اکنون فغان این درد چرک آلود دل هر دردمندی را به درد می‌آورد. بی‌تعرف باید گفت که این معترضین، ایرانی هستند و حاکمیت یابستی بدون فراقکتی و کنمان مسئله، درصدد شنیدن صدای اعتراض‌ها برپایند. فضای ملتهب این روزهای کشور، حاصل همان کنمان‌های مداوم دایره قدرت است که قبول ندارد ممکن است سیاستی را به اشتباه اجرا کند. در عصری که فشردگی زمانی و مکانی، دهکده جهانی را به وجود آورده، خطاست اگر فکر کنیم به آسانی میتوان هر صدایی را خاموش کرد و هر نوع